

گزارش

علی اکبر صالحی در پاسخ به «شرق»:

آمادگی داریم اشتباه‌مان را جبران کنیم

«ستاره جاوید»، در مراسم رونمایی واکران مستند «رخ ایران» که دیروز (سه‌شنبه ۲۵ شهریور) در بنیاد ایران‌شناسی برگزار شد، علی‌اکبر صالحی رئیس بنیاد ایران‌شناسی، کامیاز مهدی‌زاده کارگردان مستند رخ ایران و مشاور فناوری و امور رسانه رئیس بنیاد ایران‌شناسی، محسنی‌بندی معاون فرهنگی و گردشگری، علی تیموری معاون توسعه وزیر جهاد کشاورزی، آیت‌الله احمد مبلغی نماینده مردم لرستان در مجلس خبرگان رهبری، محمود بدرخانی مشاور رئیس بنیاد ایران‌شناسی و حمید بعیدی‌نژاد معاون اطلاع‌رسانی بنیاد ایران‌شناسی، حضور داشتند.
علی‌اکبر صالحی، رئیس بنیاد ایران‌شناسی، در پاسخ به سؤال خبرنگار «شرق» مبنی بر اینکه اشاره مستقیم و بی‌جایی کردید به هراس امنیتی که ایرانیان سرمایه‌دار خارج از کشور دارند، برای ورود به ایران، یکی از اهداف اصلی این مستند، شیفت منابع اقتصادی ایران از صنعت نفت، به صنعت گردشگری اعلام شد.
با توجه به تبلیغات وسیع و پرهزینه لابی منافقان در اروپا و ایران‌هراسی که بعد از جنگ ۱۲روزه وسعت بیشتری پیدا کرده است، برنامه و استراتژی بنیاد ایران‌شناسی برای خنثی‌سازی و تأمین امنیت مالی و روانی سرمایه‌گذاران خارج از کشور و جذب گردشگر چیست؟
اظهار کرد: ما از منظر خودمان این اقدامات را جدال بین حق و باطل می‌دانیم. کارنامه عملکرد منافقان را مقابل هر فرد منصفی قرار دهند. سوابق و عملکردشان مشخص است. این جدال در جدال حق و باطل می‌بینم. بسیاری مواقع، حق در مسیری پر از سبکلاخ و پیچیدگی‌ها و موانع قرار می‌گیرد اما در نهایت حق رخ می‌نماید و نمی‌توان جلوی حق را برای همیشه گرفت. برخی مواقع از توان ما خارج است که این جدال را به نفع حق برگردانیم. مثال روشن و بارز جدال حق و باطل، ستمی است که با وجود صلح ابراهیم و سایر تلاش‌های بین‌المللی، از سوی رژیم صهیونیستی بر مردم فلسطین اتفاق افتاده است. تمام تلاش‌شان این بود که بگویند ما اهل صلح، نوع‌دوستی، مدارا و علم هستیم. بیایید با ما صلح کنید و این ایران است که اهل لجاجت و نبود وفاداری است و به دنبال صلح نیست. آیا اکنون هویت و واقعیت حقیقی رژیم نژادپرست صهیونیستی، برای دولت‌های منطقه روشن نشد؟ برای همه روشن شده. خیلی از حقایق بار زمان روشن می‌شود. درباره تلاش‌های ایران هراسانه فرقه منافقان، ما سال‌ها در کشورهای متعدد آمریکای لاتین و آمریکای شمالی زندگی کردیم. عده قلیلی هستند که در هرجا باشند، نگرش خود را دارند؛ در هر جامعه‌ای هستند. اما آیا همه ایرانیان خارج‌نشین، چنین هستند؟ البته باید این را قبول کرد که ما درباره جذب ایرانیان خارج از کشور، کم فعالیت کرده و کم قدم برداشتم و کم‌کاری کردیم. اسیر اسلام بر محبت و عشق است. ما حتی در دورهای که در وزارت خارجه بودیم، به سفارت‌ها اعلام کردیم برای ایرانیانی که در بیمارستان بستری هستند، گل با آرزوی بهبودی و عافیت بفرستند و دلجویی کنند، حتی اگر همراه انقلاب نباشد. با زبان عشق می‌توانیم وارد دل‌ها شویم. قبول داریم که فضا را طوری القا کردند که چند میلیون ایرانی خارج‌نشین، می‌ترسند به ایران بیایند. تماس‌های زیادی از ایرانیان خارج دارم که می‌گویند می‌خواهیم باییم ایران، اما می‌ترسیم. در جواب‌شان می‌گویم کاری با شما ندارند. متأسفانه نتوانستیم فضا را اصلاح کنیم. خوشبختانه دکتر پزشکیان و دکتر عارف همتی دارند به خرج می‌دهند و توجه به ایرانیان خارج از کشور را در دستور کار قرار دادند. به‌جای اینکه اجازه دهیم دیگران آتشان را از نظر ذهنی رایش کنند، ما خودمان حقایق را ارائه دهیم. تمام ابعاد این برنامه مدون، در اختیار ما نیست. ولی به سهم خودمان داریم تلاش می‌کنیم کرسی ایران‌شناسی را در خارج از کشور در دانشگاه‌های مطرح نظیر هاروارد، پرینستون، آکسفورد، کمبریج و چند دانشگاه شاخص دیگر دایر کنیم. حتی آمادگی داریم فراثر از کرسی، تشجیعی از بنیاد ایران‌شناسی را در خارج از کشور ایجاد کنیم تا بتوانیم صدای واقعیت ایران را به ایران‌دوستان و ایرانیان خارج از کشور برسانیم.

هر زمان آماده اصلاح اشتباه هستیم

صالحی افزود: ما در هر زمان، آمادگی داریم اشتباه‌مان را جبران کنیم و اصلاح کنیم. این نقطه قوت انقلاب اسلامی است که هرجا از مسیر متوجه اشتباه می‌شود، بازمی‌گردد و اصلاح می‌کند و اصراری بر اشتباه خود ندارد. با این نگرش آینده ایران، آینده درخشانی خواهد بود.

گزارش

اکودر مسیر تحول

ظرفیت‌ها و نقش محوری ایران در سازمان اکو
اسد مجیدخان، دبیرکل سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو)، با اشاره به اهمیت منطقه تحت پوشش اکو گفت: «اکو امروز ۱۰ کشور عضو دارد که جمعیتی بیش از نیم‌میلیارد نفر و مساحتی بالغ بر هشت میلیون کیلومترمربع را شامل می‌شود». او تصریح کرد: «این منطقه از ظرفیت‌های عظیمی برخوردار است، اما متأسفانه ستادوردها و هماوره با این پتانسیل‌ها هم‌کام بوده و راه طولانی برای تحقق آرزوهای مردم ما باقی است».
مجیدخان افزود: «برای ایران به عنوان یکی از اعضای مؤسس و میزبان دبیرخانه اکو، این سازمان بستری طبیعی برای همکاری‌های بین‌المللی به‌شمار می‌رود». او اشاره کرد که در اجلاس اخیر سران اکو در آذربایجان، رئیس‌جمهور ایران بر موضوعاتی کلیدی از جمله اتصال منطقه‌ای، توسعه گردشگری، دیجیتالی‌سازی اقتصاد و هوش مصنوعی تأکید کرده است که این موضوعات محورهای اصلی همکاری آینده خواهند بود.
دبیرکل اکو به نقش محوری ایران در حمایت از نهادهای فرعی این سازمان اشاره کرد و گفت: «ایران میزبان نشست‌های وزارتی در حوزه‌های حمل‌ونقل، کشاورزی، بهداشت و امنیت داخلی بوده و آماده میزبانی چهارمین نشست سران اکو است». او با بیان اینکه ایران به واسطه مرزهای مشترک با هفت کشور و مرزهای دریایی با هشت کشور، به یک هاب ترانزیتی و تجاری کلیدی تبدیل شده است، افزود: «ایران نقشی محوری و حیاتی در تسهیل اتصال و یکپارچگی منطقه‌ای ایفا می‌کند».
مجیدخان در پایان به سه رکن استراتژیک اکو برای دوره آینده اشاره کرد: «ایلداری، تقویت یکپارچگی منطقه‌ای و ترویج نوآوری و رشد فراگیر». او گفت: «این اهداف مباحث محوری پئل‌های تخصصی امروز بوده و نتایج این نشست‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی به چشم‌انداز آینده اکو خواهد داشت».

مسیر پیش‌رو: از بازخوانی تا چشم‌انداز ۲۰۳۰

دومین همایش ملی ایران اکو، در آستانه پایان چشم‌انداز ۲۰۲۵ این سازمان برگزار شد و دولت‌های عضو در آستانه تدوین برنامه ۱۰ساله جدید قرار دارند. این همایش، فرصتی طلایی بود برای بازنگری و بازتعریف نقش و اهداف اکو، به‌ویژه در حوزه دیپلماسی اقتصادی و همکاری‌های منطقه‌ای. ایران به عنوان یکی از بنیان‌گذاران و میزبان دبیرخانه، با تأکید بر مشارکت همه‌جانبه بخش خصوصی، دانشگاهیان، زنان و جوانان، رویکردی دموکراتیک و فراگیر در تدوین چشم‌انداز جدید در پیش گرفته است. این رویکرد نه‌تنها انسجام و کارآمدی سازمان را افزایش می‌دهد، بلکه اکو را از یک نهاد صرفاً دیپلماتیک به نهادی پویا و تأثیرگذار در خدمت توسعه منطقه‌ای تبدیل خواهد کرد. اکو برای ایران فراتر از یک سازمان منطقه‌ای است؛ این سازمان بستر مهمی برای تحقق سیاست همسایگی و تقویت دیپلماسی اقتصادی در منطقه محسوب می‌شود. ایران با درک اهمیت همکاری‌های چندجانبه و تعامل گسترده، این همایش‌ها را به فرصتی برای تبدیل گفت‌وگو به اقدام و برنامه‌ریزی به اجرا بدل کرده است. اگرچه اکو هنوز به جایگاه آرمانی خود نرسیده، اما مسیر تدوین چشم‌انداز ۲۰۳۵ و تلاش‌های جاری، نویدبخش آینده‌ای است که همکاری‌های منطقه‌ای نه‌تنها روی کاغذ، بلکه در عمل رنگ و بوی تازه‌ای به خود خواهند گرفت. در نهایت، این همایش با تمرکز بر چالش‌ها و فرصت‌ها، پایه‌گذار فصل جدیدی در دیپلماسی اقتصادی و همکاری‌های منطقه‌ای بود و بدون شک آینده همکاری‌های اکو با مشارکت فعال ایران و دیگر اعضا، چشم‌اندازی روشن‌تر و پرمثمرتر خواهد داشت.

وقتی کشوری مورد تهاجم قرار می‌گیرد، مهاجم تا آخر به‌دنبال منافع خود است و قدرت را به هیچ‌کس واگذار نمی‌کند. با این حال، در میانه جنگ و حتی در داخل آن، صدای حمایت از حمله نظامی چندان پررنگ نبود.

من در میان اپوزیسیون این نگاه را مشاهده می‌کردم، اما به نظر وقتی به مرحله عمل رسید و آنها دیدند که در داخل کشور مردم جان خود را از دست می‌دهند، شهرها ویران و ساختمان‌ها تخریب می‌شوند و شهروندان آسیب می‌بینند، کمی عقب‌نشینی کردند. برخی جرئت نکردند این مسیر را ادامه دهند و برخی دیگر شرافتمندانه در برابر متجاوز خارجی ایستادگی و از حمایت او خودداری کردند. اگر بخواهیم اپوزیسیون را به دو دسته تقسیم کنیم، گروهی معتقد بودند سقوط نظام به هر وسیله‌ای مجاز است، اما گروه دیگر بر این باور بودند که حتی در مسیر براندازی و تغییر حکومت، نباید در کنار متجاوزی خارجی ایستاد که با وقاحت و بی‌شرمی مرتکب هر جنایتی می‌شود. آیا این تقسیم‌بندی از اپوزیسیون خارج از کشور و به‌طورکلی نیروهای برانداز درست است یا تقسیم‌بندی دیگری وجود دارد؟ درباره اپوزیسیونی که به دنبال سرنگونی است –چه به شیوه‌های مسالمت‌آمیز و چه به روش‌های قهرآمیز– به نظر من گرایش بارزی وجود داشته است: گروهی که می‌گویند نه از جمهوری اسلامی حمایت می‌کنیم و نه از اسرائیل. این یک صدای متمایز بوده است.

بیانیه‌ها می‌توانند فرصتی باشند تا مشخص شود چه کسانی چه مواضعی اتخاذ کرده و چه افرادی بیانیه‌هایی را امضا و منتشر کرده‌اند. درحالی‌که ما با جنگ مخالفیم –چه مقصر آن جمهوری اسلامی باشد و چه اسرائیل، این بحث جداست– گروهی اعلام کردند که خواستار براندازی جمهوری اسلامی یا تغییر رژیم هستند، اما با هرگونه حمله خارجی مخالف‌اند و آن را محکوم می‌کنند.

گروه دوم کسانی بودند که گفتند ما با حمله نظامی مخالفیم، اقدامات اسرائیل را محکوم می‌کنیم، اما در باره جمهوری اسلامی سکوت کردند و چیزی نگفتند. گروه سوم، مانند شاری از دانشگاهیان کشور که اطلاعاتی‌ها منتشر کردند، اعلام داشتند که محکوم‌کردن جنگ هیچ ارتباطی با موضع آنها در قبال جمهوری اسلامی ندارد، اما صرفاً جنگ را محکوم و در این مورد از جمهوری اسلامی انتقاد کردند.

گروه سوم کسانی بودند که گفتند اگر اسرائیل حمله کرده، ما می‌توانیم از این فرصت استفاده کنیم و به نوعی از آن حمایت کردند. این گروه نه‌تنها حمله را محکوم نکردند، بلکه از آن پشتیبانی کردند. در میان اپوزیسیون، کسانی که حمله را محکوم کردند، در مقایسه با سه گروه، بیشترین تعداد را داشتند و در میان تمام طیف‌های سیاسی، اعم از راست، میانه، چپ و…، رتبه اول را کسب کردند. کسانی که اعلام کردند هر دو طرف –جمهوری اسلامی و اسرائیل– را محکوم می‌کنند، صدایی به نظر من ضعیف داشتند و بازتاب چندانی پیدا نکردند. اما کسانی که از حمله حمایت کردند، به دلیل پوشش گسترده رسانه‌های پرخطاب ضدایرانی که برنامه‌های ۲۴ساعته دارند، بیشتر دیده شدند. نمی‌توانم دقیق بگویم این گروه چه تعداد هوادار جذب کردند، زیرا مشخص نیست چه میزان هزینه یا نیرو صرف کرده‌اند. درباره چهره‌های سیاسی شناخته‌شده‌ای که از حمله اسرائیل حمایت کردند، باید گفت واقعاً تعدادشان انگشت‌شمار است. اما درباره اینکه چه تعداد از توده مردم از این دیدگاه حمایت می‌کنند، نمی‌توانم اظهارنظر دقیقی کنم. به اصل موضوع بازگردیم که در این شرایط خاص، از میان سه طیفی که فعالیت می‌کنند، کدام صدا به نظر من مثبت‌تر و راه‌گشاست و می‌تواند کمک کند. من معتقد هستم که نیروهای داخل و خارج از کشور با نوعی هم‌گرایی، تعامل، هم‌صدایی و گفت‌وگو میان خود، چه در داخل و چه در خارج از کشور برقرار کنند. نیروهایی که وفادار به کشور هستند و حمله را محکوم کرده‌اند –چه جمهوری اسلامی را محکوم نکرده باشند، چه درباره آن سکوت کرده باشند، اما جهت اصلی انتقادشان متوجه اسرائیل بوده– باید زمینه‌ای برای تعامل میان آنها ایجاد شود. ما در خارج از کشور تلاش می‌کنیم سامانه‌ها و برنامه‌هایی طراحی کنیم که این تلاش برای گفت‌وگو و آشتی ملی را بازتاب دهد. گشودن باب گفت‌وگو میان داخل و خارج از کشور، هم برای فعالان داخل کشور مفید است و هم برای فعالان خارج از کشور. این همه مهم‌تر، این گفت‌وگو برای آشتی ملی میان احزاب و سازمان‌هایی که در داخل کشور فعالیت می‌کنند و احزاب و سازمان‌های خارج از کشور ضروری است. شرط اصلی تداوم این گفت‌وگو میان داخل و خارج، مرزبندی با کسانی است که راه‌حل‌های قهرآمیز برای مسائل ایران پیشنهاد می‌کنند. باید به‌صراحت با دو رویکرد افراطی مرزبندی کنیم: یکی بخشی از حاکمیت که معتقد است با برخورد سخت، مشکلات حل می‌شود، و دیگری کسانی که به طرف مقابل می‌گویند با حمله و کشتار، مسائل درست می‌شود. با این دو رویکرد افراطی باید مرزبندی روشنی داشته باشیم تا گفت‌وگو تداوم یابد.

❗ دو برداشت از سخنان شما داریم. نخست اینکه مهم‌ترین و فوری‌ترین اقدام، که حاکمیت بیشترین مسئولیت را در قبال آن دارد، تقویت توان دفاعی کشور است. حتی گلابه‌ای وجود دارد که برخی جریان‌های داخلی به اندازه کافی به این مؤلفه در مواضع خود وزن نداده و آن را در اولویت قرار نداده‌اند. برداشت دوم من این است که باید برای آن ۵۰ درصد از جامعه که در انتخابات مشارکت نکردند و به هر دلیلی از روش‌های مسالمت‌آمیز برای پیگیری مطالبات و خواسته‌های خود استفاده می‌کنند، چرا‌هی اندیشید تا در چارچوب همبستگی ملی باقی بمانند و نیروهایی باشند که آنها را نمایندگی کنند؛ زیرا وقتی در انتخابات نماینده‌ای ندارند، پس از انتخابات هرکسی می‌تواند ادعای نمایندگی آنها را داشته باشد یا فکر کند و اعلام کند که این گروه گوش به فرمان او هستند. یکی از راه‌های فهم این موضوع، فراخوان‌هایی است که برای اقدامی داده می‌شود و میزان تأثیر آن سنجیده می‌شود. در طول این جنگ، برخلاف دوره‌های گذشته، مانند سال ۱۴۰۱، شاهد فراخوان‌های گسترده برای حضور مردم در خیابان‌ها در روز و زمان مشخص نبودیم. به نظر من، دلایل می‌تواند این باشد که ارزیابی این گروه‌ها از جامعه و رفتار آن نشان داد جامعه در نوعی همبستگی قرار دارد و این‌گونه درخواست‌ها ممکن است پس‌رونده تلقی شود. بنابراین برای حفظ حاکثرتی این ۵۰ درصد یا بخشی از آنها در اتحاد ملی، چه اقداماتی باید انجام دهیم؟ به نظر شما اگر نیروهای سیاسی خارج از ایران که حمله را محکوم کردند و در دسته اول قرار داشتند، فرصت فعالیت سیاسی در داخل کشور داشته باشند، آیا می‌توانند بخشی از این ۵۰ درصد را نمایندگی کنند؟ یعنی آیا این ۵۰ درصد حاضرند نمایندگی سیاسی خود را به آنها بسپارند تا مطالبات‌شان را در ساختار سیاسی پیگیری کنند؟

سخنان شما چند نکته کلیدی دارد. یکی اینکه برای ارزیابی دقیق میزان نمایندگی نیروهایی که در ساختار حاکمیتی حضور ندارند و در انتخابات هم مشارکت نکرده‌اند، بهتر است آنها در روندهای سیاسی مشارکت داده شوند تا جامعه دریابد این نیروها چه میزان نفوذ و توان دارند. به نظر من، نباید این انگیزه را به اشتباه تفسیر کنیم که هدف صرفاً سنجش میزان نمایندگی آنهاست. ممکن است آنها فقط یک یا دو درصد از جامعه را نمایندگی کنند و پراکنده یا دچار تفرقه باشند. اصل بر این است که «قطره‌قطره جمع گردد، وانگهی دریا شود». باید با این ایده پیش رفت که هرچند این سهم کوچک باشد، ما نیز در این خانه حقی داریم، سهمی داریم و باید حضور داشته باشیم تا بتوانیم با هم زندگی کنیم. هدف از سنجش عیار این نیروها نباید صرفاً ارزیابی باشد، بلکه باید توانمندسازی جامعه ایرانی در برابر تهدیدات و بهره‌گیری از فرصت‌ها را مبنای کار قرار دهیم و به پیش برویم. درباره نیروهای خارج از کشور، پرسش این است که آیا این نیروها می‌توانند در داخل کشور تأثیرگذار باشند و بخشی از لایه‌های اجتماعی را جذب کنند؟ به عبارت دیگر، آیا می‌توان به سمت ایجاد سازه‌ها یا سامانه‌های حزبی و

برخی در جنگ بی‌شرمانه طرف دشمن بودند

سیاسی ایرانی حرکت کرد که بر تمام لایه‌های اجتماعی اشراف داشته باشد و همه آنها را نمایندگی کند؟

من بسیار خوشحال خواهم شد اگر این روند ادامه یابد و فراخوان‌های جمعی با قدرت بیشتری به میدان آیند. زمان بسیار محدود است، زیرا نسل Z به‌سرعت به نسل‌های بعدی، مانند نسل Y و X تبدیل می‌شود. این فرصت کمتر از یک دهه است. از سوی دیگر، کسانی که مانند من و شما مسیر ۵۰ساله را طی کرده‌ایم –البته شما بسیار جوان‌تر هستید– فرصت کمی برای انتقال تجربیات خود داریم، بنابراین در پایان سخنانم، علاوه بر تأمل بر دو نکته‌ای که شما اشاره کردید، می‌خواهم بر محدودیت زمان برای کاهش شکاف میان دولت و ملت تأکید کنم و سه بار بر این موضوع خط بکشم.

❗ **برای سؤال آخر، می‌خواهم از شما درخواستی داشته باشم. معمولاً همه سعی می‌کنند رویکرد خود را برای گفت‌وگو با حاکمیت، دولت، مسئولان و… معطوف کنند و بگویند چه باید کرد یا چه نباید کرد. از شما درخواست می‌کنم در چند جمله، توصیه‌های خود را به فعالان سیاسی، جامعه یا اپوزیسیون –هرکدام که برای شما اولویت دارد– بیان کنید. به عبارت دیگر، این گروه‌ها چه باید بکنند و اولویت آنها چیست؟**

سؤال‌تان بسیار بجا بود و من از دقت و موقع‌شناسی شما در طرح این پرسش لذت بردم. پیام من به اپوزیسیون، با هر گرایش سیاسی، چه رادیکال، محافظه‌کار، میانه‌رو و… این است که در فضای پس از جنگ ۱۲روزه، هرگاه سخنی می‌گویند در هر محفلی، احساس کنند که مسئولیت کل کشور برعهده آنهاست. قدرت‌های خارجی نیز ناظر سخنان آنها هستند و این سخنان به گوش آنها می‌رسد. باید این‌گونه فکر کنند، نه اینکه مسئولیت را صرفاً برعهده حاکمیت بدانند و خود را قربانی یا مظلوم تصور کنند. وقتی در مجلسی به وزیر امور خارجه حمله می‌شود، احساس من این است که گوینده در حال سخن‌گفتن به گوش نتانیا‌هوست. باید زبان به گونه‌ای صیقل یابد که گویا شما در جایگاه رهبری کشور نشست‌اید و قصد حل مسائل کشور را دارید. این توصیه من به اپوزیسیون است. اما وقتی به حاکمیت می‌رسم، دوست دارم حاکمیت چنان سخن بگوید که درد جامعه و فعالان سیاسی را درک کند. نمی‌توان گفت ما فعالان سیاسی هستیم و مرجع اقتدار ما صرفاً جامعه توده‌وار است. من که می‌دانم جامعه‌شناسی و جامعه سیاسی به چه معناست، معتقد نیستم که جامعه به معنای عام خود به طور خودکار نمایندگی یا اعتماد می‌کند. گروه‌های مرجع وجدان جمعی را می‌سازند. اگر کسی بگوید باید مستقیماً با مردم سخن گفت، می‌گویم لحظه‌ای صبر کنید؛ باید درست سخن بگوییم. جامعه به آن معنا وجود ندارد که خود مردم به طور مستقیم نمایندگی کنند یا اعتماد بورزند. مراجع ایجاد می‌شوند و این مراجع هستند که سخن می‌گویند. در دین مبین اسلام نیز مراجع وجود دارند و توده مردم به‌تنهایی صاحب عقیده، فکر یا پذیرای توصیه تلقی نمی‌شوند. البته برخی این رویکرد را در پیش می‌گیرند، اما من این کار را نمی‌کنم، زیرا می‌دانم که از آن رویکردی پوپولیستی برمی‌آید. حاکمیت و کسانی که از نظام جمهوری اسلامی ایران دفاع می‌کنند، بخشی از فعالان، منابع یا مراجع سیاسی هستند. توصیه ما به این مراجع (منظور مراجع سیاسی است) حاکمیتی این است که وقتی می‌خواهید درباره سیاست‌های کشور تصمیم‌گیری کنید، به این موضوع نیز توجه کنید: یک بار مسائل را از منظر حاکمیت بررسی کنید و بار دیگر از نگاه معترضان و مخالفان، ببینید چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود. وقتی فقط از منظر حاکمیت به مسائل نگاه می‌کنیم، همیشه نتیجه به نفع شما خواهد بود، اما اکنون کشور ما در وضعیتی است که عناصر حاکم و طیف‌هایی که برای حفظ و تقویت نظام و حاکمیت خود تلاش می‌کنند، باید همان احساسی را که اپوزیسیون محروم، فراری، خارج‌نشین، زندانی یا خانواده‌های دادخواه دارند، درک کنند. باید این احساس را بچشند، آن را حس کنند و سپس تصمیم بگیرند.

❗ **از شما بسیار سپاسگزاریم که در این گفت‌وگو شرکت کردید و نظرات خود را با ما به اشتراک گذاشتید. اگر نکته‌ای برای سخنان پایانی باقی مانده، آماده شنیدن ما هستید.**

به نظر من، چیزی از قلم نیفتاده است. این گفت‌وگو بسیار ارزشمند بود و سؤالات بسیار دقیقی مطرح شد. از شما و روزنامه شرق تشکر می‌کنم که زمینه‌ای برای گشودن روزنه‌ها و کره‌گشایی فراهم کردید. امیدوارم این گفت‌وگوها طیف‌های گسترده‌تری از جامعه ما را در بر بگیرد.

یادداشت

معمای اقتصادی ایران:

دو معادله و سه مجهول

علی صادقی‌همدانی، اقتصاددان: اقتصاد ایران را می‌توان به یک دستگاه معادلات تشبیه کرد که تعداد مجهول‌هایش از تعداد معادلاتش بیشتر است. در چنین دستگاهی، هیچ راه‌حل یگانه و پایداری وجود ندارد؛ بلکه هر پاسخ موقتی است و به تناقضی تازه می‌انجامد. این استعاره صرفاً ریاضی نیست، بلکه توصیفی از وضعیتی است که در آن دولت، بازار و جامعه هر یک معادلات خود را دارند، بی‌آنکه چارچوب نهادی لازم برای حل‌وفصل این تضادها وجود داشته باشد.

گزاره اول، معادله منابع و مصارف دولت:

دولت با کسری بودجه مزمن روبه‌روست. درآمد‌ها عمدتاً نفتی و ناپایدارند، درحالی‌که هزینه‌ها ساختاری و فزاینده‌اند. معادله‌ای ساده به نظر می‌آید: افزایش درآمد یا کاهش هزینه. اما در عمل، این معادله با مجهول نخست یعنی ضعف شفافیت مالی و نهادهی روبه‌روست؛ دولت نه ابزار کارآمدی برای بازتوزیع داره و نه نظام مالیاتی پاسخ‌گو.

گزاره دوم، معادله تولید و مصرف: اقتصاد

ملی نیازمند توازن میان تولید داخلی و مصرف جامعه است. اما سیاست‌های ارزی و تجاری طی دهه‌ها، تولید را تضعیف و مصرف وارداتی را تقویت کردند. این معادله نیز در برابر مجهول دوم قرار دارد: نبود یک استراتژی صنعتی پایدار که بتواند پیوند تولید با نوآوری، سرمایه‌گذاری و بازارهای جهانی را برقرار کند.

گزاره سوم، مجهول سرمایه اجتماعی: حتی اگر دولت بتواند منابع و مصارف را متوازن کند و تولید را سامان دهد، مجهول سوم همچنان باقی است: سرمایه اجتماعی دولت، بی‌اعتمادی عمومی به سیاست‌های اقتصادی سبب می‌شود هر تصمیمی –از اصلاح قیمت انرژی تا اصلاح ساختار بانکی– با مقاومت اجتماعی یا بی‌اثرشدن تدریجی مواجه شود. اینجااست که اقتصاد به یک دستگاه نامعین تبدیل می‌شود.

جمع‌بندی: اقتصادی با دو معادله و سه مجهول، نه در ریاضیات و نه در سیاست‌گذاری، قابل حل پایدار نیست. راه‌حل نه در «ترفندهای تکنیکی» که در بازآرایی نهادهی است: شفافیت بودجه، تدوین راهبرد صنعتی و بازسازی اعتماد عمومی. تا زمانی‌که این مجهولات بی‌پاسخ بمانند، هر معادله‌ای که نوشته شود، پاسخی ناپایدار خواهد داشت؛ همان‌گونه که در ریاضی دستگاه نامعین فقط بر روی کاغذ پاسخ می‌دهد، نه در واقعیت.



وزارت نیرو

گروه برق و انرژی

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی (یکپارچه) به شماره ط/ ۱۹/۴۰۴»

شرکت برق منطقه ای خراسان در نظر دارد " انجام خدمات حفظ ، نگهداری ، توسعه و نظافت محوطه فضاهای سبز موجود در سطح شرکت برق منطقه ای خراسان بصورت حجمی " را از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی (یکپارچه) به پیمانکار حائز شرایط ذیل واگذار نماید.

شماره فراخوان درسامانه ستاد	شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مدت قرارداد	مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (ریال)	محل اعتبار
۲۳۰۰۰۱۱۳۳۰۰۰۲۰۰۴	ط/۱۹/۴۰۴	انجام خدمات حفظ ، نگهداری ، توسعه و نظافت محوطه فضاهای سبز موجود در سطح شرکت برق منطقه ای خراسان بصورت حجمی	۱۲ ماه شمسی	۴,۷۰۹,۸۵۰,۹۳۸	منابع داخلی (غیر عمرانی)

*شرط لازم جهت شرکت در مناقصه:

- دارا بودن گواهینامه صلاحیت معتبر پیمانکاری (با کد فعالیت نگهداری و فضای سبز در محدوده مبلغ برآوردی مناقصه) از اداره تعاون ، کار و رفاه اجتماعی و داشتن ظرفیت آزاد طبق آخرین بخشنامه ابلاغی در زمان ارائه پیشنهاد .

*نحوه دریافت اسناد مناقصه :
مناقصه گران حائز شرط فوق، می توانند پس از ثبت نام در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت و بدون پرداخت وجه، فایل اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه را بارگیری نمایند.

*تاریخ دریافت اسناد مناقصه:

از ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز سه شنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۶/۲۵ تا ساعت ۱۹:۰۰ روز یک شنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۶/۳۰ .

*تاریخ بازگذاری اسناد مناقصه و محل تحویل پاکت تضمین:

از پیشنهاد دهندگان تقاضا می گردد ؛ ابتدا تصویر کلیه مستندات و مدارک پاکات مناقصه (پاکت کیفی ، الف ، ب و ج) را در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت حداکثرا ساعت ۸:۰۰ صبح روز دوشنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۷/۱۴ بازگذاری نمایند و اصل پاکت الف با شرایط درج شده دراسناد مناقصه و به صورت لاک و مهر شده تا ساعت ۸:۳۰ صبح روز دو شنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۷/۱۴ پس از ثبت در دبیرخانه شرکت برق منطقه ای خراسان به آدرس : مشهد - انتهای بلوار وکیل آباد - نرسیده به جاده شانزین - سمت راست - به امور تدارکات و قراردادهـا- تلفن-۳۶۱۰۳۶۰۸ -۵۱ - دورنگار ۶۱۰۳۶۲۹ -۵۱ - تحویل نمایند.

*تاریخ و محل گشایش پاکات کیفی :

ساعت ۸:۳۰ صبح روز دوشنبه به تاریخ ۱۴۰۴/۷/۱۴ در محل امور تدارکات و قراردادها.

* در صورت نیاز به دریافت توضیحات بیشتر، متقاضیان می توانند با مشاور (شرکت متیران - آقای حکیم عطار) به شماره ۰۵۱۳۸۷۱۷۲۰۰ یا با امور تدارکات و قراردادهـا به شماره ۰۵۱-۳۶۱۰۳۶۰۸ (خانم طمنی) تماس حاصل فرمایند.

*به پیشنهاددها و مستندات فاقد امضاء ، مشروط ، مخدوش وپیشنهاداتی که بعداز انقضاء مدت مقرر واصل شود ، مطلقا ترتیب اتر داده نخواهد شد.
*پیشنهاددهنده موظف به ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار معتبر و قابل تمدید مطابق آیین نامه تضمین معاملات دولتی می باشند.
به پیشنهادهای فاقد سیرده ، سیرده های مخدوش ، سیرده های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایران ترتیب اتر داده نخواهد شد.
*سایر اطلاعات و جزئیات در اسناد مناقصه درج شده است .

ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتربه پایگاه های اطلاع رسانی به آدرس ذیل مراجعه نمایند:

پایگاه اطلاع رسانی معاملات توانیر http://tender.tavanir.org.ir

پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات http://iets.mporg.ir

پایگاه اطلاع رسانی مناقضات شرکت برق منطقه ای خراسان www.krec.ir

سامانه تدارکات الکترونیکی دولت «ستاد» www.setadiran.ir

شناسه آگهی : ۲۰۰۱۶۸۹

روابط عمومی شرکت برق منطقه ای خراسان

۳۶۸۹